

تحقیقاتِ ایران‌شناسی

Istoriografija Irana novoge i novejšego vremena: sbornik statej, Moskva, Nauka 1989, pp. 236-248.

سه تن از محققان روس، دوروشنکو، پولیشوک و کوزنه کورا، در سال ۱۳۶۸ کتابی در مسکو منتشر کردند با عنوان *تاریخ‌نگاری در ایران نو و روزگار معاصر*: مجموعه‌ی منتخب. در این کتاب مقاله‌ای هست با عنوان «مجموعه‌ی کتاب‌های چاپ سنگی فارسی موجود در کتاب‌خانه‌ی دانشکده‌ی شرقی لنینگراد». این مجموعه شامل ۷۰۲ کتاب است که در فاصله‌ی سال‌های ۱۲۴۴ ق (سال‌های آخر سلطنت فتحعلی شاه) تا ۱۳۱۶ ش در ایران، هند، ماوراءالنهر، و قفقاز چاپ شده‌اند و آنها را ژوکوفسکی و شاگردانش در ایران پیدا کردند یا خریدند. برخی از این کتاب‌ها چندان نایاب و گم‌نام‌اند که حتی در فهرست‌نامه‌های مهم (مانند فهرست استوری) نیز یادی از آنها نشده است.

مؤلف معتقد است که این مجموعه برای بررسی ادبیات فارسی در قرن گذشته بسیار به کار می‌آید، چون غالب کتاب‌های آن به موضوعات ادبی و فرهنگی عامه‌ی آن قرن مربوط‌اند. بیشتر این کتاب‌ها دیوان شعرند و به دوره‌ی مشروطیت مربوط می‌شوند و حاوی اشعاری هستند که غالباً از یادها رفته‌اند. بقیه‌ی کتاب‌ها به فرهنگ عامه، تعزیه و تصوف مربوط می‌شوند. چند کتاب از قدیمی‌ترین ترجمه‌ی آثار اروپایی به فارسی نیز در میان آنها یافت می‌شود. از همه‌ی اینها مهم‌تر ۱۰۵ عنوان

● *Majmu'e-ye Bahâriye*
Roma, Instituto Culturale della Republica Islamica d' Iran in Italia, 1989, 195p., 80 phot. (Quaderni, 1) (عکس)

مجموعه‌ی بهاریه، حاوی هشت مقاله است درباره‌ی وجود گوناگون فرهنگ ایران (شعر، قهرمانان ملی، فلسفه، جامعه‌شناسی و علوم اجتماعی):

– ریکاردو زیپولی R. Zipoli، «از عنصری تا هاتف، منتخب اشعار»؛

– جان روبرتو اسکارچا G. SCARCIA، «واپسین شاعر فارسی زبان مغرب زمین»؛

– لوچا سیرنا لوی L. S. Loi، «خوش حال پارسی-قهرمان مردم»؛

– جورجو ماتیولی G. MATTIOLI، «پهلوان برهنه: تحقیق درباره‌ی یک شعبده‌باز ایرانی»؛

– فیلیپو برتوتی F. M. BERTOTTI، «منظری از مدینه‌ی فاضله»؛

– جورجو ورچلین G. VERCELLIN، «یادداشت-هایی درباره‌ی چادر، به منزله‌ی پوشش سنتی اسلامی»؛

– جورجو روتا G. ROTA، «اهمیت دیوارنگاره‌ها در انقلاب اسلامی».

● Ščeglova, O. P. «Kollekcija litografirovannix izdanij na persidskom jazyke iz biblioteki vostočnogo fakul'teta LGU»

(مجموعه‌ی کتاب‌های چاپ سنگی فارسی در دانشکده‌ی شرقی دانشگاه لنینگراد)

داده می‌شوند معمولاً ناقص‌اند. اما، هرچند بسیاری از کتاب‌ها از قلم افتاده‌اند و بسیار رساله‌ها هستند که مؤلفشان ناشناخته مانده است (شمار این گونه رساله‌ها در همین جلد به ۲۵۰ می‌رسد)، درباره‌ی بسیاری از کتاب‌ها، به ویژه آثار مکتوب در هند، اطلاعات و یادداشت‌های سودمند و رضایت‌بخش به دست داده شده است. در این جزء، شماره‌های ۳۳۴ تا ۴۰۸ به معرفی کتب بلاغت، معما و ماده تاریخ اختصاص دارد و در شماره‌های ۴۰۹ تا ۶۵۲ متون نثر مسجع (مخصوصاً در ترسل) معرفی شده‌اند. می‌توان گفت که اطلاعات عرضه شده در این کتاب مکمل سودمند اطلاعات مندرج در فهرست‌های منزوی و کتب مشابه است، زیرا مؤلفان ظاهراً از مآخذ متفاوت بهره گرفته‌اند.

• ابوالبشر، کلثوم. «حافظ شناسی در بنگال (بنگلادش)»، دانش، ش ۲۰-۲۱ (۱۳۶۹/۱۹۹۰)، ص ۷۳-۸۷.

زبان و ادب فارسی در بنگال یا بنگاله سابقه‌ی کهن دارد و اشعار حافظ در رونق آن تأثیر به‌سزا داشته است.

بانو کلثوم ابوالبشر در آغاز این مقاله مقدمه‌ای در باب تاریخ نفوذ و گسترش زبان و ادبیات فارسی در بنگال آورده و آن‌گاه فهرستی از ترجمه‌های حافظ به زبان بنگالی به دست داده و خاطر نشان کرده است که اصل برخی از آنها ترجمه‌ی انگلیسی بوده است.

پیش از این، عارف نوشاهی، در تحقیقی با عنوان «نخستین شرح فارسی دیوان حافظ در شبه قاره: مترج البحرین تألیف ختمی لاهوری به سال ۱۰۲۶ هجری قمری» (دانش، ش ۱۵، پاییز ۱۳۶۷، ص ۴۵-۸۰)، به شهرت پرده‌امنه‌ی حافظ در شبه قاره اشاره کرده بود. وی در آن مقاله، پس از مقدمه‌ای نسبتاً مفصل در همین معنی و این که حافظ به روزگار خود نیز در

کتاب درسی است که تا پیش از رواج تعلیمات جدید، در مکتب خانه‌های ایران، تعلیم داده می‌شدند.

• Saidmuradov, S. D. & Mal'cev, Ju. S. *Iz istorii vostokovedenija v Tadzhikistane (1917-1958)*, Dushanbe, Donish (دانش), 1990, 208p.

این کتاب، که به همت فرهنگستان خاورشناسی تاجیکستان منتشر شده است، حاصلی مقدماتی تحقیقی است درازمدت و دقیق درباره‌ی تاریخ تحقیقات شرقی در تاجیکستان. در سال ۱۹۵۸ (۱۳۳۷) «شعبه‌ی مطالعات شرقی و نسخه‌های خطی» در فرهنگستان علوم تاجیکستان تأسیس شد که فصل تازه‌ای در این رشته از علوم گشود. اما، تا آن هنگام، خاورشناسی در تاجیکستان مراحل متعددی را پشت سر گذاشته بود که در این کتاب به تفصیل بررسی شده است. این تحقیق تاریخ نگارانه با یک کتاب‌شناسی مفصل و پرمایه همراه است حاوی تحقیقاتی که محققان انجمن خاورشناسی تاجیکستان، در فاصله‌ی سال‌های ۱۹۵۸ تا ۱۹۸۵، انجام داده‌اند.

• STOREY, C. A. *Persian Literature, a Bio-bibliographical Survey. Volume III, Part 2: Rhetoric, Riddles and Chronograms. Ornate Prose.* Oxford, Royal Asiatic Society, 200 p., paginé 207-407.

(چارلز امبروز استوری. تاریخ ادبیات فارسی: ج ۳، جزء ۲: بلاغت، چیستان، ماده تاریخ، نثر مسجع). تدوین و چاپ یادداشت‌های استوری پس از مرگ او (۱۳۴۶ ش) ادامه دارد و طبعاً این کار، به دلیل گستردگی و فقدان مؤلف، از نقایص عاری نیست. از جمله، در آن به فهرست‌نامه‌هایی که در سال‌های اخیر در ایران، هندوستان، ترکیه، پاکستان، شوروی سابق انتشار یافته‌اند توجهی نشده است. در نتیجه سیاهه‌هایی که از نسخه‌های خطی به دست

تاریخی به شرح احوال مؤلفان فارسی زبان اختصاص دارد و در فصلی آخر تذکرها یا کتب تاریخ ادبی بررسی شده‌اند. شمار شاعران هنوز مشخص نیست و سامان دادن و تکمیل برگه‌های یادداشت استوری کاری بس پر دامنه است، به ویژه که از سی سال پیش به این سو فهرست‌نامه‌ها و کتاب‌ها و مقاله‌های بسیاری در این زمینه نوشته و چاپ شده است. به همین دلیل، ناشر از هم‌همی علاقه‌مندان و صاحب‌نظران و دارندگان مجموعه‌های خصوصی خواسته است که اطلاعات خود را درباره‌ی آثار ناشناخته و انتشارات جدید برای او بفرستند.

• *Ērbedestān, an Avesta-Pahlavi Text*

(ایریدستان، یک متن اوستایی - پهلوی)

edited and translated by Helmut Humbach in cooperation with Josef Eifenbein, München, R. KITZINGER, 1990, 127 p.

یکی از کهن‌ترین و مهم‌ترین منابع فقه‌اللغهی اوستایی نیرنگستان است که پژوهندگان و خاورشناسان از دیرباز به آن توجه داشته‌اند. این متن چند بند دارد. بیست بند اول آن به نام ایریدستان شهرت یافته است و با چاپ انتقادی و منقح آن، که به همت هومباخ با همکاری الفُنابین انجام یافته، سرانجام متنی شایسته برای مطالعات اوستایی در دست‌رس محققان قرار گرفته است.

هلموت هومباخ از محققانی است که در معرفی اوستا و متون پهلوی کوشش دارد و پیش از این گزیده‌هایی از *وئنا نسک* *Vaēθā Nask* و پرسش‌ها *Pursišnihā* را چاپ کرده است و طبعاً شایسته‌ترین کس برای تصحیح انتقادی ایریدستان است.

در چاپ حاضر، هر بند از کتاب به دو صورت دیده می‌شود: (۱) صورت اوستایی عبارت همراه با متن آوانویسی شده‌ی پهلوی آن به گونه‌ای که به دست مصحح رسیده است؛ (۲) صورت مصحح عبارت

هندوستان شناخته بوده است، به معرفی *مَرَج البحرین* ختمی لاهوری می‌پردازد. این کتاب، که هنوز به چاپ نرسیده، در سال ۱۰۲۶ ق نوشته شده است و دست کم ۲۴ نسخه‌ی خطی از آن موجود است. مؤلف هم‌چنین یادآور شده است که فقط در کتاب‌خانه‌های پاکستان ۳۲۵ نسخه‌ی خطی از دیوان حافظ وجود دارد و این دیوان در شبه قاره (تا سال انتشار مقاله) ۱۳۲ بار چاپ شده است.

بدین سان، تحقیق بانو ابوالبشر را می‌توان تکمله‌ای بر تحقیق عارف نوشاهی دانست که با مقاله‌ی بانو ام سلمه با عنوان «عهد زرین ادبیات فارسی در داکا در سده‌ی نوزدهم میلادی» (دانش، ش ۱۹، پائیز ۱۳۶۸، ص ۱۳۱ تا ۱۳۵) کامل تر می‌شود.

• Blois, François de. «C. A. Storey's Persian literature: an interim report»

(گزارشی مجمل درباره‌ی تاریخ ادبیات استوری)
Journal of the Royal Asiatic Society, fasc. 2
(1990), pp. 370-375.

یکی از منابع عمده‌ی تحقیق درباره‌ی ادبیات فارسی در زبان انگلیسی تاریخ ادبیات فارسی اثر چارلز امبروز استوری Charles Ambrose Storey است که اول بار در سال ۱۹۲۹ در لندن منتشر شد. استوری کار خود را در سال‌های بعد تکمیل کرد و به صورت اثری سترگ در آورد که شامل پنج جلد و چندین مجلد می‌شود. اما خود او، که در سال ۱۳۴۶ در گذشت، نتوانست این مجموعه‌ی عظیم را به چاپ برساند. جلد چهارم این مجموعه به علوم دینی و فلسفه اختصاص دارد و زیر نظر شپرد Shepherd تدوین شده است.

فرانسوا دوبلوا در این گزارش درباره‌ی جلد پنجم، که آخرین جلد مجموعه است و به شعر اختصاص دارد، گفت و گو می‌کند. این جلد دارای هفت فصل است. فصل‌های اول تا ششم به ترتیب

Münchener Studien zur Sprachwissenschaft 50 (1989), pp. 31-50.

الموت هیتس، در یکی از سفرهای خود به هند، چند نسخه‌ی دست‌نویس از یشت پیدا کرد و به تحقیق درباره‌ی آنها پرداخت. مقاله‌ی حاضر حاوی ملاحظاتی است در باب زامیادیش بر مبنای آن نسخه‌ها. (۱) نسخه‌ی F1 بس مهم و معتبر است که تا این هنگام تصور می‌شد که گم شده است؛ (۲) نسخه‌ی E1، هم‌چنان که گلدنر / Geldner به خوبی دریافت کرده است، رونوشتی است از نسخه‌ی F1؛ (۳) نسخه‌ی N107 که تا کنون ناشناخته بوده است. این نسخه، که در ۱۱۵۲ ق/ ۱۷۳۹ کتابت شده است، دارای ۴۴۶ برگ است حاوی چند متن پهلوی (تیرنگ، نیایش، بخت‌گاه، آفرینگان، و جز آن) و نیز چند یشت؛ (۴) B27 حاوی یک خرده‌اوستای مورخ ۱۲۱۱ ق/ ۱۷۹۶ است با ۵۵۸ برگ؛ (۵) J18 چنان‌که در عنوانش آمده است نسخه‌ی کاملی نیایش و چند یشت است که در ۱۲۴۳ ق/ ۱۸۲۷ م کتابت شده است.

چنین می‌نماید که نسخه‌ی N107 به نسخه‌ی E1 خیلی نزدیک است، هم‌چنان‌که نسخه‌ی B27 در برخی از قسمت‌ها مشابه نسخه‌ی F1، و در قسمت‌های دیگر شبیه نسخه‌ی E1 است؛ اما J18 تا اندازه‌ای نزدیک به E1 می‌نماید و چون دارای غلط‌های بسیار است نسخه‌ی متأخر به حساب می‌آید.

• Kim, G. M. & Sastirko, P. M. (eds). *Istorija Otečestvenogo vostokovedenija do sredniji XIX veka*

(تاریخ خاورشناسی ملی تا نیمه‌ی قرن نوزدهم) Moskva, Nauka 1990, 435p.

ظاهراً نخستین اطلاعات و اخبار مربوط به مشرق زمین در اواسط قرون وسطی به روسیه رسیده است و از آن پس، به ویژه در قرون جدید و معاصر،

اوستایی و متن آوانویسی شده‌ی پهلوی آن به شیوه‌ای که مکنزی به دست داده است. اما در حالی حاضر، کتاب ناقص است و تکمیل آن به شرح و تفسیری نیاز دارد که قاعدتاً انجام گرفته است و به زودی چاپ خواهد شد.

• FRAGNER, Bert G. «Iranische Kultur, Geschichte und Sprachen in islamischer Zeit vom Mittelalter bis zur Gegenwart: ein Forschungsbericht aus den deutschsprachigen Ländern (Deutschland, Österreich, Schweiz)»

(تحقیق به زبان آلمانی درباره‌ی فرهنگ، زبان‌ها و تاریخ ایران از قرون وسطی تا به امروز)

Forschungsforum: Berichte aus der Otto-friedrichs-Universität Bamberg 2 (1990), pp. 101-116.

این تحقیق جالب و خواندنی، از لحاظ قلمرو جغرافیایی، کشورهای را در بر می‌گیرد که در آنها زبان آلمانی رایج و غالب بوده است و هنوز هم رواج و غلبه دارد، یعنی کشورهای آلمان و اتریش و سوئیس. از نظر زمانی نیز شامل پژوهش‌هایی است که از قرون وسطی تا به امروز انجام گرفته‌اند.

مؤلف به بررسی تاریخی رشته‌های گوناگون مطالعات ایرانی و چگونگی توسعه‌ی آنها پرداخته و مشکلاتی را نشان داده است که عرصه‌ی ایران‌شناسی در فارغ‌ماندن از ریشه‌های فقه اللغوی خود و در آمدن به صورت رشته‌ی علمی جداگانه با آنها مواجه بوده است. نتیجه‌ی این امر تجزیه و شاخه‌شاخه شدن و جوهر گوناگون مطالعات ایران‌شناسی بوده است. ترجمه‌ی انگلیسی این گزارش در نشریه‌ی مطالعات ایرانی چاپ شده بود.

• HINTZE, Almut. «F 1, E 1 und drei neue Yasht-Handschriften»

(نسخه‌های F1، E1 و سه دست‌نوشته‌ی نویافته از یشت)

تحقیقاتِ خاورشناسی در روسیه و سرزمین‌های روسی زبان رواج و رونق گرفته است.

کتاب حاضر مجموعه‌ای است از مقاله‌هایی که درباره‌ی سابقه و تاریخچه‌ی شرق‌شناسی در روسیه، اوکراین، لیتوانی و غازان، از آغاز تا میانه‌ی قرنِ نوزدهم، به رشته‌ی تحریر در آمده‌اند. در نگارش این مجموعه چندین محقق مشارکت داشته‌اند و شاخص‌ترین چهرهای خاورشناسی روس را معرفی و جریان‌ها و مکاتب عمده و جهت‌های اساسی خاورشناسی در روسیه دسته‌بندی و توصیف کرده‌اند. این کتاب وسیله‌ی سودمندی است برای آگاهی از سابقه و تحولات خاورشناسی در سرزمین روسیه.

• LAZARD, Gilbert. «Composition et métrique dans les Yashts de l' Avesta»

(ترکیب و ساخت وزن در یشت‌های اوستا)

in G. GNOLI & A. PANAINO (eds.), *Proceedings of the first European Conference of Iranian studies...* Roma, IsMEO, 1990, pp. 217-228.

در روزهای هفتم تا یازدهم سپتامبر ۱۹۸۷، اولین «کنگره‌ی اروپایی مطالعات ایرانی»، به کوشش انجمن ایران‌شناسی اروپا، در شهر تورینو (ایتالیا) برگزار شد که در آن ۴۲ تن از محققان اروپایی صحبت کردند و حاصل مذاکرات در مجموعه‌ی دو جلدی با عنوان سخنرانی‌های اولین کنفرانس اروپایی مطالعات ایرانی انتشار یافت: جلد اول: *مطالعات ایرانی کهن و میانه؛ جلد دوم: مطالعات ایرانی قرون میانه و معاصر.*

سخنرانی ژیلیر لازار، استاد فرانسوی کهن‌سال و با سابقه‌ی زبان و ادبیات ایران، بخشی از یک تحقیق مفصل درباره‌ی شعرسایی در ایران پیش از اسلام است. او در اینجا به بررسی هفتاد بند از یشت سیزدهم اوستا پرداخته و اشعار هشت هجایی را از دیگر اشعار متمایز ساخته است. آن‌گاه این اشعار

هشت هجایی را به سه دسته‌ی «قدیم» و «جدید» و «محل تردید» تقسیم کرده است. این دسته‌بندی بر مبنای محتوای معنایی اشعار انجام گرفته است: قدیم‌ترین دسته از این اشعار، به قرینه، به قبل از زردشت و حتی قبل از پیدایی مزدابرسی تعلق دارد، و جدیدترین آنها دارای «سبک موبدانه» است، و گروه اشعار «محل تردید» فاقد این خصوصیت‌هاست. مؤلف، پس از تأمل و مذاقه در متن، به این نتیجه می‌رسد که پاره‌هایی از یک شعر بسیار کهن که در وزن هشت هجایی سروده شده‌اند، در یشت‌ها درج گردیده است و این امری مسلم است.

مؤلف هم چنین به اظهار این فرضیه می‌پردازد که این شعر بسیار کهن چه بسا متعلق به سه هزار سال پیش و لذا به همان قدمت گات‌ها باشد. اما فاصله‌ی زمانی میان گات‌ها و اوستای متأخر چیزی نیست که قابل چشم‌پوشی باشد، و لذا آن قدیم‌ترین صورت شعر اوستایی دست‌خوش تحولات زبانی شده است. این امر هر چند محال نباشد هرگز اثبات شدنی هم نیست.

• MAJEWSKA, Barbara. «Śmierć Sokratesa w irackiej tradycje literackiej»

(مرگ سقراط در سنت ادبی ایران)

Przegląd Orientalistyczny (Warszawa), fasc. 3-4 (1990), pp. 35-45.

مؤلف، با تبحر همیشگی خود، به تجزیه و تحلیل چگونگی راه‌یابی شخصیت‌های تاریخی به ادبیات می‌پردازد و در اینجا سقراط را مورد توجه قرار می‌دهد. البته سقراطی که در روایت افلاطون – ضمن گفت و گو با شاگردان – می‌شناسیم. به عقیده‌ی مؤلف، مرگ سقراط در ادبیات فارسی به سه گونه روایت شده است. این روایت‌ها، هم بر حسب سبک ادبی و هم بر حسب سلیقه و مقصود هر مؤلف، با هم فرق دارند، هر چند که در همگی آنها

نشان می‌دهد که در همه‌ی آنها دو عنصر عمده، که ریشه در روایت افلاطون دارند، مشاهده می‌شود: گفت و شنود سقراط با شاگردان و آخرین کلمات او که رنگ صوفیانه دارند. این تحقیق با بحث درباره‌ی یکی از ممیزات ادبیات فارسی کهن پایان می‌یابد و آن جذب مضامین ادبی بیگانه و تغییر شکل آنها در سطوح گوناگون معرفت انسانی است.

ع. روح‌بخشان

سقراط در مقام حکیم ظاهر می‌شود. روایات سه‌گانه عبارت‌اند از: ۱) قابوسنامه که در آن مرگ سقراط شاهده‌ی بر سخنان اخلاقی و حکمت‌آمیز اوست؛ ۲) منطق الطیر که در آن مرگ سقراط بیان‌گر مباحث عارفانه و معانی صوفیانه است؛ ۳) اسکندرنامه‌ی نظامی که در آن مرگ سقراط نقشی در مایه‌ی هیجانی ماجرای قهرمانانه ایفا می‌کند. مؤلف، پس از بحث درباره‌ی مشخصه‌های هر یک از این سه سبک ادبی،

ادبیات داستانی‌اند.

در دوران متأخر، داستان‌نویسی به شیوه‌ی اروپایی با مضمون اجتماعی - سیاسی در نوشته‌هایی مانند شمس و طغرای محمدباقر میرزای خسروی، سیاحت‌نامه‌ی ابراهیم بیگ و کتاب احمدی طالبوف جلوه‌گر شد. اما این سبک پس از انقلاب مشروطه رواج یافت.

در تاجیکستان، به عنوان بخشی از قلمرو جغرافیایی زبان و ادب فارسی، نیز، ادبیات داستانی به شیوه‌ی کهن متداول بود. با وقوع انقلاب اکتبر در سال ۱۹۱۷ و تأسیس جمهوری تاجیکستان سنت‌ها و میراث ادبی زبان فارسی به کنار نهاده شد و شیوه‌های جدید داستان‌نویسی با سبک رئالیسم سوسیالیستی و ترجمه‌ی آثار نویسندگان سوسیالیست رواج یافت. جلدان بخارا (۱۹۲۲)، اثر صدرالدین عینی، نخستین اثر داستانی به سبک جدید است. مضمون این نوشته‌ها از لحاظ سیاسی و اجتماعی مورد پسند نظام شوروی بود و مواضع سیاسی و اقتصادی و اجتماعی حکومت سوسیالیستی را تبلیغ می‌کرد. اما ادبیات این دوره نیز با حکومت خشن استالینی دچار رکود شد. با وقوع جنگ، ادبیات داستانی جان گرفت و وطن‌دوستی و ملی‌گرایی

• «گزیده‌ی کتاب‌شناسی ادبیات داستانی تاجیک»، مهاب اکبری‌ان، سیمرخ، زمستان ۷۳ و بهار ۷۴.

در مقدمه، ادبیات فارسی و وضع ادبیات داستانی در تاجیکستان مرور شده است:

ادبیات داستانی، که با داستان‌های حماسی شاهنامه‌ها (منثور و منظوم) در قرن ۳ و ۴ آغاز می‌شود، در قالب‌ها و مضامین گوناگون جلوه‌گر شده است. در قرن‌های بعد، آثار داستانی منثور و منظوم بسیاری (بختیارنامه، گرشاسب‌نامه، اسکندرنامه، شهنشاه‌نامه) تصنیف شد. در قرن ۶ و ۷ ادبیات داستانی برای بیان مفاهیم عرفانی به کار رفت (منطق الطیر، اسرارالتوحید). پس از منظومه‌های داستانی عارفانه، دوران رونق منظومه‌های داستانی عاشقانه (یوسف و زلیخا، لیلی و مجنون، وامق و عذرا، شادبهر و عین الحیات، سرخ بت و خنگ بت، نل و دمن، فرهاد و شیرین، مهر و مشتری، مهر و وفا) آغاز می‌شود، هرچند در همه‌ی اشکال ادبیات داستانی عشق موضوع اصلی است. داستان‌های عامیانه (طوطی‌نامه، سمک عیار، سندبادنامه) و داستان‌های اخلاقی و اجتماعی (کللیله و دمنه، جوامع الحکایات و مرزبان‌نامه) نیز از اشکال ممتاز

موضوع داستان‌های کوتاه و نمایش‌نامه‌های این دوره شد.

زندگی‌نامه نویسی ساتم الوغ‌زاده و جلال اکرامی موجب رواج رمان‌نویسی در تاجیکستان و نگارش آثار مهم ادبی در این زمینه شد. با تجزیه‌ی اتحاد جماهیر شوروی، نویسندگان از رئالیسم اروپایی به شیوه‌های نقد ادبی و شیوه‌های داستانی رایج در میان دیگر ملت‌های جهان روی آوردند که این خود تحولی در ادبیات داستانی تاجیک محسوب می‌شود.

در ذیل این مقدمه‌ی مفید و مختصر، ۱۵۵۰ اثر مهم ادبیات داستانی تاجیک به ترتیب الفبایی نام نویسنده - در فاصله‌ی تاریخی ۱۹۱۳ با داستان پدرکش از محمود خواجه بهبودی و ۱۹۹۵ با داستان قصه‌ی عروسی پسر همسایه از رجب امانف (چاپ تهران) - در چهار موضوع ادبیات داستانی، سفرنامه و یادداشت، نمایش‌نامه و فیلم‌نامه، تاریخ ادبیات و نقد ادبی فهرست و معرفی شده‌اند.

• «عالم تصویر در دیوان صائب»، احمد شوقی نوبر، کیهان اندیشه، خرداد و تیر ۱۳۷۴.

رابطه‌ی میان تصویر کشیده شده بر کاغذ و تصویر مجسم شده در ذهن همواره مورد توجه اهل نظر بوده است. در «عالم تصویر در دیوان صائب» سروده‌های شاعر در باب تصویرگری و مضمون‌ها و اصطلاحاتی که در آن یاب به کار رفته بررسی شده است. موضوع مقاله بدیع و ساختار آن مناسب است. صائب در اشعار خود واژه‌های چهره‌پرداز، صورتگر، صورت‌نگار، مصور، نقاش، نقش‌بند و نقش‌پرداز را به معنی کسی که تصویر می‌کشد و افعال تصویر کردن، صورت بستن، عکس گرفتن، کشیدن،

مصور ساختن، نسخه برگرفتن و نقش برداشتن را به معنی عملی که او انجام می‌دهد می‌آورد. او هم‌چنین، از آب و رنگ، پرده، پرتاووس، خامه، قلم و کلک به عنوان ابزار تصویرگری نام می‌برد. قلمروی تصویر را حسن ظاهر و تصویرگر را از تصویر کردن حسن معنی عاجز می‌داند. از نظر او نقش امید، نقش جانان، غمزه‌ی یار، کاغذ دل و دل چرب تصویر نمی‌پذیرند. او ترکیبات بسیاری در این زمینه را با مضامین نو به کار می‌برد: آیینی تصویر، محلی نقش ثابت اشیا و مظهر حیرانی عاشق در رخ معشوق؛ ابر تصویر، نماد بی‌بهره بودن سالک از فیض حق به سبب بی‌استعدادی؛ بلبل تصویر، نماد افسردگی و خاموشی؛ پرده‌ی تصویر، نماد خاموشی؛ چهره‌ی تصویر یا رخ تصویر، نماد رنگ ثابت رخ که فقط با عشق دگرگون می‌شود؛ خنده‌ی تصویر، نماد خندیدن از روی غفلت؛ دیده‌ی تصویر، نماد بی‌تفاوتی؛ غنچه‌ی تصویر، مضمون مورد علاقه‌ی صائب و نماد بی‌احساسی و بی‌بویی و خاموشی و عزلت و نخندیدن و پژمرده نشدن؛ گل تصویر، نماد پژمردگی و خواب‌آلودگی و سنگ‌دلی؛ مجلس تصویر، نماد آسایش و فراغت؛ مرغ تصویر، نماد سکون و بی‌حرکتی و خاموشی.

در شعر صائب، آیین در مضامین سادگی و صفا و طالب صورت معنا بودن، سطحی بودن عوام، و حیرانی عاشق به کار رفته است. از نظر صائب، تصویرگر حقیقی حق تعالی است که چشم دوختن برخامه‌ی ازلی او موجب مشاهده‌ی هزار نقش بدیع است و سالک بیننده عیش نوبهاران را در خزان می‌یابد.

چشم من از نقش تا بر خامه‌ی نقاش بود
برگ عیش نوبهاران از خزان می‌یافتم.
حکیمه‌ی دسترنجی